روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیر مسوول: مهدی رحمانیان

نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف

تلفن: ۸۸۶۵۸۵۷۵ - **نمابر:** ۸۸۶۷۷۴۶۹

توزیع: شرکت نوآوران جهان‌رسانه ایرسا - **تلفن:** ۸۸۸۲۲۳۹۰

امور فنی، آتلیه و لیتوگرافی: روزنامه شرق

چاپ گلریز: جاده قدیم کرج، فتح ۱۷، پلاک ۲۹ **تلفن ۷** - ۶۶۸۲۲۳۴۶

روزنامه شرق

سال پنجم ■ شماره پیاپی ۱۰۱۹ ■ شماره ۹۵ دوره جدید ■ شنبه ۲ مرداد ۱۳۸۹ ■ ۱۲ شعبان ۱۴۳۱ ■ ۲۴ جولای ۲۰۱۰

سیمرغ در انتظار مجوز اجرا

ایسنا: نشست خبری پروژه موسیقی سیمرغ با حضور محمدرضا درویشی، حمید متبسم و همایون شجریان در شرایطی برگزار شد که گروه اجرایی این پروژه همچنان در انتظار دریافت مجوز اجرای برنامه خود هستند. در این نشست بهرنگ تنکابنی مدیر این پروژه گفت: ما برای اجرا در روزهای هفتم، هشتم و نهم مردادماه برنامه‌ریزی کرده‌ایم که ان‌شاءالله مجوز برنامه روز شنبه برسد تا بتوانیم درباره مکان برگزاری برنامه در سایت دل‌آواز اطلاع‌رسانی کنیم. در این نشست حمید متبسم آهنگساز این پروژه در سخنانی با ابراز خرسندی از انجام آن گفت: خوشحالم پروژه‌ای که زمانی برایم خواب و خیال بود، آرام‌آرام به اجرا نزدیک می‌شود.

تهران : اذان ظهر۱۳:۱۱ اذان مغرب ۲۰:۳۶ اذان صبح فردا ۴:۲۷ طلوع آفتاب ۶:۰۷

آخر

برای قاطران سردشتی

فراتر از خبر

عباس عبدی

برخی اخبار ظرفیت آن را دارند که با کالبدشکافی آنها، وجوه نیمه پنهان‌شان را نیز آشکار کرد. از این پس بر حسب مورد، با جراحی اخباری که چنین امکانی در آنها دیده می‌شود،امیدوارم به فهم مسائل جامعه خود کمک کنم.

چندی پیش خبری در مطبوعات درج شد که در مناطق مرزی سردشت، برای جلوگیری از قاچاق کالا، به سوی حیوانات بارکش آنجا که عمدتاً قاطر هستند، تیراندازی می‌شود و آنها را کشتار می‌کنند. تصاویر منتشرشده نیز موید آن بود که در محل‌های مختلف لاشه تعداد زیادی از این حیوانات بی‌گناه نقش بر زمین است و حتی در مواردی داخل آب افتاده‌اند و طبعاً موجب آلودگی منابع آب شرب مردم منطقه هم خواهند شد.

۱- کشتن حیوانات اگر در جریان درگیری مسلحانه نباشد، طبعاً هیچ مجوز قانونی‌ای ندارد و ضارب و آمر، مسوول خسارات وارده هستند و شنیده‌ام در یک مورد هم کار به دادگاه کشیده شده است.

۲- کشتن حیوانات نه‌تنها غیرقانونی، بلکه غیراخلاقی هم هست. زیرا حیوان زحمتکش در این میان گناهی مرتکب نشده است و نمی‌تواند اساساً مجازات شود. از بد حادثه از یک طرف صاحبان این قاطرها از آنها بیش از حد کار می‌کشند، و از طرف دیگر هم مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرند. در واقع این حیوانات بی‌زبان مصداق بارز چوب دوسر طلا هستند. غیراخلاقی بودن کشتن یک حیوان از این روست که برخلاف انسان که می‌تواند فرار کند یا متقابلاً به ضارب حمله کند، حیوان نه درک درستی از خطر حمله با اسلحه دارد که فرار کند، و نه تعرضی به ضارب خود می‌کند. کشتن یک حیوان بارکش مثل کشتن یک کودک یک‌ساله است که نه درکی از اسلحه دارد و نه خصومتی با ضارب خود، نه قدرتی برای فرار و نه توانایی‌ای برای حمله به ضارب.

۳- کسانی که فیلم‌های حمل قاچاق کالا را در کوه‌های صعب‌العبور منطقه دیده‌اند، به خوبی می‌دانند که این کار چقدر پرزحمت و پرخطر است، هرچند این کار غیرقانونی است و ماموران نیز وظیفه مقابله با آن را دارند، اما قضیه به همین سادگی نیست. مردم آنجا هم نظراتی دارند و معتقدند اجرای قانون بدون تبعیض نیست. اما مهم‌تر از همه این است که وقتی رقم بیکاری در این مناطق بالا باشد و کلیت جامعه، وظیفه خود را در جهت رفع تبعیض اقتصادی مناطق مرزی با سایر مناطق به نحو مناسب انجام نداده باشد، چگونه می‌توان در برابر قاچاق مقداری کالا با قاطر تا این حد خشن برخورد کرد، آن هم در شرایطی که بدترین نوع قاچاق که مواد مخدر باشد به وفور در این جامعه اتفاق می‌افتد؟ اگر حیوانات بارکش به سبب نقشی که در قاچاق دارند، کشته می‌شوند آیا خودروهای شرق کشور هم به دلیل مشابه نابود می‌شوند؟

۴- همه می‌دانیم در طول جنگ هشت‌ساله با عراق، منطقه سردشت به عنوان یک منطقه مرزی، همواره تحت خطر و درگیری بود و بدترین فاجعه جنگ که حمله شیمیایی بود، در مجاورت این منطقه رخ داد و تعداد زیادی از مردم منطقه مجبور به جابه‌جایی و مهاجرت شدند. خب، اگر آنان در آن زمان در خط اول درگیری بوده‌اند، امروز چگونه باید جبران آن وضعیت را کرد؟ و اصولاً چه اقداماتی در این مورد انجام شده است که جبران آن وضعیت را بکند؟

۵- اگر در مواجهه با قاچاق کالا، عملی غیرقانونی مرتکب شویم، در این صورت چگونه باید انتظار داشت که طرف مقابل ملتزم به قانون باشد و کینه‌ورزانه عمل نکند؟ اگر خوب توجه کنیم، مشکلات کشور در برخی مناطق مرزی به گونه‌ای است که هرگونه اقدام کینه‌جویانه، جز تبعات منفی نتیجه‌ای به همراه نخواهد داشت.

۶- آنچه گفته شد، یک روی قضیه است. روی دیگر آن نیروهای دولتی هستند که طبعاً آنان هم وظایفی را در جلوگیری از قاچاق برعهده دارند. روشن است که برای اجرای انجام وظیفه نمی‌توان رفتاری را مرتکب شد که تبعات منفی آن بدتر از عدم انجام وظیفه است. اما مساله مهم‌تر این است که حجم وسیع قاچاق کالا که در بازار کشور وجود دارد، نمی‌تواند از طریق قاطر و اسب به داخل کشور حمل شود. حتی همان کالاها هم وقتی داخل کشور شدند، در مناطق شناخته‌شده شهری در خودرو بار می‌شوند و یکراست به تهران می‌آیند و احتمالاً کشف آنها در طول این مسیر راحت‌تر است. بنابراین چاره‌ای نیست جز اینکه بپذیریم در برخورد با قاچاق از معیارهای دوگانه استفاده می‌شود. و هر گونه برخورد دوگانه موجب بی‌اثری اقدامات اینچنینی در مبارزه با قاچاق کالا خواهد شد.

۷- همه آنچه گفته شد را اگر در کنار ارقام بیکاری بگذاریم، قضیه روشن‌تر خواهد شد. معتبرترین ارقام بیکاری مربوط به سرشماری سال ۱۳۸۵ است. در آن سال رقم بیکاری مردان شهرستان تهران نزدیک به شش درصد بود و این رقم برای جوانان ۱۵ تا ۲۵ سال تهرانی به ۱۵ درصد هم می‌رسید. اما بیکاری در میان مردان روستایی (که قاعدتاً بیش از سایرین درگیر قاچاق کالا هستند) شهرستان سردشت ۱۹/۵ درصد بود که سه برابر بیش از مقدار بیکاری در تهران است. بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۵ سال روستایی شهرستان سردشت نیز به ۴۱/۵ درصد می‌رسید که بسیار بالا است. فراموش نکنیم که ارقام بیکاری طی چهار سال اخیر بیشتر هم شده است. بنابراین طبیعی است به این پرسش پاسخ دهیم که چرا این حد از تفاوت وجود دارد و اگر من و شما یا فرزندان‌مان در آن منطقه زندگی می‌کردیم، برای گذران زندگی چه باید می‌کردیم؟ درست است که وظیفه دولت جلوگیری از قاچاق کالا است (به شرطی که این وظیفه به صورت دوگانه انجام نشود)، اما دولت مطابق قانون اساسی وظایف دیگری هم دارد. بر فرض که امکان قاچاق کالا هم از میان برود، آیا کسی می‌تواند یا مجاز است که جلوی مهاجرت این جوانان بیکار را به مناطق شهری، مثل تهران بگیرد؟ کشورداری ظاهراً سهل و ممتنع می‌نماید، اما فراموش نکنیم که کوتاه‌ترین فاصله میان دو نقطه (وضع موجود و مطلوب) در سیاست، خط مستقیم اعمال زور و استفاده از نیروی پلیس و انتظامی نیست.

ناگفته‌ها: ممیزی در سینما

دایره‌هایی که کوچک و بزرگ می‌شود

عبدالحسن برزیده

«اصل ممیزی در کتاب و سینما لازم است.» من هم با این گفته وزیر ارشاد موافق هستم. ممیزی در همه جای دنیا وجود دارد و دوایری با خطوط قرمز رسم می‌کند. محیط این دایره‌ها بسته به نوع فرهنگ و تفاوت‌های اندیشه‌ای بزرگ و کوچک می‌شود. وسط این دایره‌ها دقیقاً همان جایی است که هنرمند می‌تواند در آن مانور بدهد. اما در کشور ما مشکل جای دیگری است. از سویی اعمال سلیقه‌ها خطوط قرمز را پررنگ و دایره را کوچک و کوچک‌تر می‌کند و امکان کار خلاقه را از بین می‌برد. از سوی دیگر این دایره برای افراد مختلف متفاوت است یعنی با توجه به فرد بزرگ و کوچک می‌شود. برای مثال یک کارگردان برای گریم بازیگر زنش مورد عتاب قرار می‌گیرد و صحنه‌ای از فیلمش به همین دلیل از دست می‌رود و فیلم کارگردانی دیگر با حضور بازیگر زنی که آرایش بسیار غلیظی دارد اکران می‌شود. من به اصل این موضوع که آرایش خانم‌ها در فیلم بد است یا خوب کاری ندارم اما معتقدم اگر این موضوع محل ایراد است باید در مورد فیلم همه کارگردانان از هر طیف و وابسته به هر گروهی رعایت شود. باز و بسته شدن این دایره برای افراد مختلف آزاردهنده است. گاهی آنچه دچار اعمال ممیزی می‌شود از نظر شرعی محل اشکال نیست. مثلاً نشان دادن تصویر بی‌حجاب خانمی که اقلیت مذهبی است از لحاظ شرعی مشکلی ندارد اما متاسفانه مسوولان به هر کسی اجازه استفاده از این امکان را نمی‌دهند. بعضی مواقع برداشت آدم‌هایی که پشت میزهای ممیزی نشسته‌اند و قیچی به دست گرفته‌اند به طور کامل غلط و حیرت‌انگیز است. مثلاً شما در یک سکانس رابطه بسیار معمولی بین زن و شوهری را به تصویر کشیده‌اید اما مسوول بررسی در مورد آن سکانس از واژه «روتیک» استفاده کرده و توصیه به حذف آن کرده است. من معتقدم مشکلات ممیزی باید هرچه زودتر حل شود وگرنه راهکار خلاقه برای هنرمند بسته می‌ماند. متاسفانه آدم‌های بسیار محدود برای کار ممیزی انتخاب شده‌اند. همان‌طور که در ابتدای مطلب گفتم من هم با حرف وزیر ارشاد موافقم. این حرف از یک سو درست است چون در کشورهای اروپایی و حتی امریکا هم ممیزی وجود دارد منتها آنها باهوش هستند. مثلاً در یک فیلم سیستم سیاسی و دولتی امریکا به طور کامل نقد می‌شود اما در انتها قدرت و دموکراتیک‌بودن آن کشور نشان داده می‌شود. ما اگر بخواهیم چنین بازی‌ای راه بیندازیم اول از همه مسوولان فریب می‌خورند و این همان اشکال کار ماست. ابتدا مسوولان ما را کنار می‌کشند و از ما می‌پرسند جریان چیست؟ آن وقت ما باید از ابتدا برای آنها توضیح دهیم. اگر مسوولان متوجه شوند هم ممیزان ایراد می‌گیرند. مثلاً گاهی در صدا و سیما چنان ممیزی‌هایی صورت می‌گیرد که خود جناب ضرغامی می‌گوید اینها را در نظر نگیرید.

دغدغه روشنفکری: همچنان در حال و هوای معنای زندگی

سبک کردن بار فلسفه

عباس مخبر

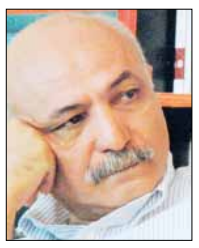

آخرین کتابی که ترجمه کردم و در فروردین‌ماه منتشر شد، «معنای زندگی» بود. اولین باری که فارسی‌زبانان با تری ایگلتون آشنا شدند، کتابی بود با عنوان «پیش‌درآمدی بر نظریه‌های ادبی» که حدود دو دهه پیش آن را ترجمه کردم. البته باید بگویم کتاب «معنای زندگی» که سال ۲۰۰۷ در غرب منتشر شد، در همان سال آن را تهیه و ترجمه کردم و به ناشر سپردم و باید در همان سال منتشر می‌شد ولی وزارت ارشاد در انتشار این کتاب وقفه انداخت. ابتدا کپی ترجمه‌ای که به وزارت ارشاد فرستادیم، گم شد. بر نسخه بعدی ایراداتی گرفته شد و وزارت خواهان حذف بخش‌هایی از کتاب شد. سرانجام کتابی که باید در همان سال ۲۰۰۷ منتشر می‌شد سه سال بعد در سال ۲۰۱۰ انتشار یافت. به طور معمول به سراغ ترجمه کتاب‌هایی می‌روم که نویسندگان آن را دنبال می‌کنم. اینکه این نویسندگان بر کتاب‌های قدیمی‌شان مقدمه و موخره‌ای نوشته‌اند، آیا ویراست جدیدی از آثارشان را منتشر کرده‌اند. مانند تری ایگلتون که در کتاب «پیش‌درآمدی بر نظریه‌های ادبی» مقدمه جدیدی نوشت و من نیز آن را در چاپ جدید این کتاب که سال گذشته منتشر شد، ترجمه و اضافه کردم. اما کتاب دیگری که سال گذشته از بنده باز نشر شد؛ «نگاهی به فلسفه: سبک کردن بار سنگین فلسفه» نوشته دونالد پامر بود که این کتاب را نشر مرکز منتشر کرده. این کتاب، کتابی است برای دانشجویان رشته فلسفه و آشنایان به فلسفه. نویسنده‌اش قریب به ۳۰ سال استاد فلسفه بوده، و این کتاب در حقیقت پاسخ به پرسش‌هایی است که دانشجویانش از او می‌پرسیدند. سعی‌اش بر این بوده که فلسفه را به زبان ساده توضیح دهد. اما پرسشی که همواره پس از چاپ چنین کتاب‌هایی پرسیده می‌شود این است که آیا می‌توان فلسفه را ساده کرد؟ ساده‌سازی فلسفه چه سودی دارد؟ فهم عامه مردم از فلسفه چه سودی دارد؟ نکته ابتدایی این است که در کشورهای غربی کتاب‌های بسیاری درباره علوم مختلف منتشر می‌شود که ویژگی اولیه آنها لحن ساده و ساده‌سازی آنها است. فلسفه در دبستان و راهنمایی و مقاطع مختلف در غرب تدریس می‌شود. در کتاب‌های درسی فلسفه از اینکه اصلاً فلسفه چیست و چه کمکی به زندگی انسان می‌کند، سخن می‌گویند. از سطح پایینی آموزش فلسفه را آغاز می‌کنند. از این رو به گمانم می‌توان فلسفه را به زبان ساده بیان کرد. حال درباره کتابی که گفته شد، باید خواننده‌ها نظر بدهند که آیا این اتفاق افتاده یا خیر. شاید زبان فلسفه زبان پیچیده‌ای باشد اما می‌توان بخش‌هایی از آن را با زبانی بیان کرد که همه‌فهم باشد. البته می‌دانم که مثلاً ساده‌سازی اندیشه‌های هایدگر و دریدا مشکل است و شاید ناشدنی. خود دونالد پامر نیز گفته که بعضی از مباحث را ساده‌تر نمی‌توان بیان کرد. در حال حاضر اما من همچنان در همان حال و هوای معنای زندگی‌ام. به واقع زندگی چیست؟

رفع توقیف از ۲۸۵ عنوان کتاب

ادامه از صفحه اول

این تصمیم از سوی خود ایشان گرفته شده است و به «محمد اللهیاری» رئیس اداره کتاب هم ابلاغ شده است و قرار است پس از رایزنی‌هایی که روزهای شنبه و یکشنبه با رئیس اداره کتاب انجام می‌شود لیست این کتاب‌ها منتشر شود.»

یک دستورالعمل شگفت‌انگیز

«بهمن دری» معاونی که هنوز برنامه‌هایش را اعلام نکرده است، سردبیر پیشین مجله «پیام انقلاب» و رئیس پیشین انتشارات سپاه ابلاغیه‌ای برای اداره کتاب صادر کرده است که بخشی از بندهای آن تازگی دارد. در این ابلاغیه بیش از هر چیز تاکید بر تسریع روند انتشار کتاب‌های مذهبی- دینی و ترویج باورهای مذهبی است. از جمله بندهای عجیب این ابلاغیه که در نوع خودش تازگی دارد، شرایط بررسی کتاب‌هایی است که در حوزه دفاع مقدس، ادبیات انقلاب اسلامی و کتاب‌های مربوط به اهل بیت(ع) است. بر این اساس قرار است کتاب‌هایی که در این حوزه‌ها به اداره کتاب می‌رسند، حتماً در کمتر از ۱۰ روز مجوز نشر دریافت کنند و در صورت دریافت نکردن مجوز در این بازه زمانی مجوز چاپ این آثار خود به خود صادر خواهد شد و ناشر اجازه دارد کتابش را راهی بازار کند. این در حالی است که ابلاغ این دستور با دستورالعمل‌ها و قوانینی که در اداره ممیزی اعمال می‌شود، متفاوت است. بنا به گفته رئیس روابط عمومی این معاونت این دستورالعمل بندهای دیگری هم دارد که بیشتر بر تقویت بنیه‌های مذهبی تاکید دارد. «جعفری» در این باره گفت:«آقای دری در این دستورالعمل بر بحث تکریم ارباب رجوع تاکید داشتند. همچنین بحث تقویت فرهنگ انتظار یکی از دغدغه‌های اصلی ایشان است برای همین هم دستور تشکیل یک کارگروه برای تقویت بنیان‌های آشنایی با امام زمان و امام‌شناسی صادر شده است و از کتاب‌هایی که در این حوزه منتشر می‌شوند، حمایت ویژه‌ای خواهد شد. افزون بر این در این ابلاغیه اعلام شده است کتاب‌های جدی که دارای ارزش هستند، ترویج خواهند شد. این کتاب‌ها حتی می‌توانند نگاه نقادانه داشته باشند، البته تا جایی که معترضانه نباشند. به گفته آقای دری ایجاد فضا برای انتشار این کتاب‌ها از برکات آزادی در انقلاب اسلامی است. معاون فرهنگی وزیر برای تسریع در عملی شدن این دستورالعمل هفته گذشته جلسه‌ای چندساعته با سرگروه‌های بررسان در حوزه‌های مختلف داشت.» «محسن پرویز» و «محمدعلی رمضانی‌فرانی» رئیس پیشین اداره کتاب و «محمد اللهیاری» رئیس فعلی اداره کتاب از کتاب‌هایی حرف می‌زنند که در کمتر از یک هفته مجوز می‌گیرند. اما به نظر می‌رسد این تصمیم جدید و اعطای مجوز یک‌شبه به ۲۸۵ کتابی که بسیاری از آنها بیش از دو سال معطل بودند، نافی این ادعاست.

قبض و بسط‌های شخصی

«خسرو طالب‌زاده» رئیس اداره کتاب دوران اصلاحات که این روزها از دوره ریاست او بر این اداره به عنوان روزگار طلایی چاپ کتاب یاد می‌کنند، با تایید این تناقض گفت: «دستورالعمل‌هایی که برای نظارت و ممیزی در اداره کتاب صادر می‌شوند، هرچند براساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی است اما تا اندازه زیادی قبض و بسط آن بستگی به سیاست‌های حاکم در وزارت ارشاد و دولت دارد. صدور چنین دستوری و اعطای مجوز یک‌شبه به ۲۸۵ عنوان کتاب نشان از این دارد که چقدر تصمیم‌گیری و ممیزی متکی بر آرا و نظرات شخصی مدیران است و چارچوب عینی و مشخصی هم ندارد. از سوی دیگر این دستور بیش از اینکه خبر خوشایندی باشد، نگران‌کننده است، یعنی اگر انتشار این کتاب‌ها نافی قوانین حاکم بر جمهوری اسلامی نیست و امکان انتشار آنها وجود داشته، اما به دلیل اعمال نظر شخصی منتشر نشده‌اند، خود به خود به معنای سرپیچی از ضوابط است.» «طالب‌زاده» معتقد است حتی این تصمیم هم به خودی خود یک اعمال نظر شخصی محسوب می‌شود و مشکلی را حل نمی‌کند. رئیس اداره کتاب روزگار اصلاحات در نقد چنین تصمیم‌هایی می‌گوید: «هنوز معلوم نیست این اعمال نظر و ۲۸۵ عنوان کتاب شامل چه عنوان‌هایی می‌شود و آیا باز هم تنها شامل عناوینی است که به آرا و نظرات شخصی سیاستگذاران کنونی نزدیک است یا شامل کتاب‌های دیگری هم می‌شود که با ضوابط مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی منافاتی ندارند. در دولت هشتم سعی شده اعمال نظر در حوزه ممیزی کتاب در چارچوب مدون و قانونمندی قرار بگیرد، در همین راستا طرح کاملی نوشته شد که به شورای فرهنگی هیات دولت رفت و بررسی‌هایی هم انجام شد. هدف آن طرح تصویب قانونی در مجلس بود که بر اساس آن ممیزی در حوزه نشر هم همچون مطبوعات سامان بگیرد و با تشکیل دادگاه ویژه نشر ممیزی به این شکل حذف شود. به هر حال دستورالعمل و آن طرح در هیات دولت موجود است و هنوز هم امکان پیشنهاد آن به مجلس وجود دارد.»

هنوز برنامه‌ای اعلام نشده

۲۸۵ عنوان کتاب در حالی قرار است از محاق توقیف بیرون بیاید که «بهمن دری» در ابلاغیه دیگری به اداره کتاب از انتشار مجدد چند کتاب غیراخلاقی که بر اساس بررسی‌های او درونمایه‌های جنسی دارند و چند کتاب دیگر که به تبلیغ عرفان‌های نوظهور می‌پردازند، جلوگیری کرده است. در مراسم معارفه او «محمد حسینی» وزیر ارشاد گفت: «کافی است به یک کتاب، یک ناشر یا نویسنده اشاره کنید تا آقای دری همه اطلاعات مربوط به آن را به شما ارائه بدهد. او از جمله نیروهای متعهدی است که از اطلاعات جامعی در حوزه خودشان برخوردار هستند.» بهمن دری‌اخوی پیش از اعلام این تصمیم و دستورالعمل سرزده به چند کتابفروشی رفته بود و در این دیدارهای غیررسمی هم خبر از پیگیری مشکلات ناشران و کتابفروشان داد، اما اینکه چطور و چگونه را هنوز اعلام نکرده است.

در گذر زمان: نامه شاعر اسپانیولی در نهمین سالروز درگذشت احمد شاملو

کلمات او را تکرار می‌کنم

کلارا خانس / ترجمه: فرهاد آذرمی، محسن عمادی

یاد احمد شاملو به هر بهانه‌ای که باشد، همیشه فرصتی است برای تعمق در همه جوانب شعر. این روزها که آشوب و بی‌نظمی در همه جهان بالا گرفته است به یادمان می‌آورد که کلام شاعرانه نقشی در جامعه دارد که باید به بار بنشیند. گاندی گفت: شعر مقاومت منفی بی‌پایانی است. با این سخن، او شعر را یک بار و برای همیشه در متن زندگی اجتماعی جای داد و برخلاف افلاطون (در کتاب جمهور) درها را به روی شاعر باز کرد. این عبارت گاندی اتفاقی نیست که بر پایه شهودی است که جوهره حقیقی شعر است؛ شهودی که فراتر از منطق، به درستی راه می‌یابد. اگر شعر می‌تواند به ابزاری بدل شود نخست به خاطر حقیقت آن است؛ حقیقتی که حقایق دیگر را دربر می‌گیرد، کسی که آن را به غایت می‌رساند یا از آن خود می‌کند را وادار می‌کند تا خود به قلعه‌ای برای دفاع از حقیقت بدل شود که رشوه‌پذیر نیست. از این رو گاندی افزود شعر «فرم پایان‌ناپذیری است از امتناع، چراکه در جامعه و جهان، همگان خواسته‌اند اشیا و دروغ را به زور بر ما تحمیل کنند... شعر در برابر جبر تاریخ قدعلم می‌کند، علیه استثمار مغزها و علیه تمامی تعصب‌ها...» شعر ساده است، دست و دلباز است، گشاده و ژرف است. قلعه بازی است برای همه آنان که حاضرند راه سختگیرترین وفاداری‌ها را دنبال کنند. جریانی مخفی است از زلال آب‌های نیالوده نخستین. آن‌که در شعر زندگی می‌کند در حریمی از خلوص شکست‌ناپذیر می‌زید؛ جایی که همه چیز شفافیتی است با استعدادی برای شناسایی و از این رو برای برادری. آب‌های شعر بیرونی نیستند، چنین است که تکثر آنها را گل‌آلود نمی‌کند. آب‌های شعر در درون شاعر جاری‌اند و آنچه بازمی‌تابانند از باطن اشیا سخن می‌گوید و آنها را به آغاز می‌پیوندد. تمامی شاعران می‌دانند که حکایت جز این نیست: ظهور لحظه نخستین و عمل. و نیز می‌دانند که این واژه کاری متعالی می‌کند. در برابر نقض عدالت می‌ایستد، با خشونت پیکار می‌کند، جان‌پناهی است برای اومانیسم و محملی است برای صلح و آشتی و غمخوارگی و با تقدیس دوباره هستی در برابر جدایی از مقدسات می‌ایستد. عالم شعر از منطق و از هنرمندان عاری است: فضایی است که بیانی چون تعریف نوالیس در آن مجاز است: شعر حقیقت مطلق است. جایی که آن واژه مقدس درخشان از کائنات موسیقی بیرون می‌آید: همه چیز هارمونی است- واژه یونانی mousike را به هارمونی و تناسب نیز می‌توان برگرداند. سال‌ها پیش نوشتم: حیات آدمی به درج نقطه‌ای در تاریخ محدود نمی‌شود، در آن بردگی‌ای که ماتریالیسم از آن سخن می‌گوید، محصور نیست، هنوز ابعاد دیگری نیز مانده‌اند، کثرت سطوح زمان‌ها و فضاها، شناخته و ناشناخته و رابطه میان آنها که سخت بنیادین است. در این دنیای ناشناخته‌ها، هدف شعر و شاید تنها هدفی که می‌تواند به انجامش برساند، بخشیدن ارزشی دیگر از حقیقت به جهان است و مکان‌یابی حقیقت است در آن، منشوری در پیوند با زندگی و اینجاست که اهمیت عملی این هنر نمایان می‌شود. احمد شاملو با شعر و شخصیتش که همیشه در قلب‌های ما زنده است، یادآور مسوولیت ما و تعهد ماست؛ تعهد و وظیفه ما برای خوب دیدن و پایمردی برای تعالی هر چیز. کلمات او یأس و نومیدی را از ما دور می‌کند. چراکه هنر، خود، مقصد است و باید هرچه او را از امید دور می‌کند، به دور بریزد. پس باید خود را فراخوانیم و شعرهای دیگری بخوانیم، اشعاری چون «ماهی‌ها»، «آی عشق» یا «ترانه بزرگ‌ترین آرزو» را، نه‌تنها برای بهتر دیدن حقیقت، که حتی چون شاهدی بر اومانیسم‌زدایی، چراکه هر ویرانه، نشانی از غیاب انسانی است که حضور انسان آبادانی است. و می‌خواهیم و باید آباد کنیم. و بنای ما، در غایت کلام، بنا کردن خود است همچون تمامی انسان‌ها، همچون تمامی آحاد بشر. گاندی در دنباله کلام گفت: «شاعر نیازی به آزادی ندارد، چون آزاد است.» در آزادی، هارمونی می‌نشیند، در هارمونی، عشق و در عشق، تمامی امکان‌ها. آزادی خود را با هارمونی می‌شناسد و با حقیقت. شعر، پشت و پناه محکمی است برای عشق و تمامی امکان‌ها؛ امکان‌هایی که بر یگانگی بنا می‌شوند و در نهایت به هم می‌رسند. اینک شعر تجربه‌ای دشوار است. نیاز به وفاداری خدشه‌ناپذیری دارد. ایثاری به غایت دشوار و دور. شاملو چنین راهی را برگزید. اودیسه ئوس الیتیس نوشته بود: «هیچ کس مجبور نیست به شعر توجه کند ولی اگر به شعر علاقه‌مند شد ناچار است بیاموزد که با این موقعیت تازه چگونه خو کند: با قدم برداشتن بر هوا و بر آب.» شاملو بر آسمان و بر آب و بر آتش گام برمی‌داشت. کلمات او را تکرار می‌کنیم: «هزار چشمه خورشید می‌جوشد از یقین.» و هزاران چشمه می‌جوشند. هزاران چشمه. هزاران چشمه.

قضیه شکل اول، قضیه شکل دوم: ساخت مشترک برادران شمقدری، عسگرپور

فصل سیاست‌زدگی

مینا اکبری

مهم‌ترین مساله امروز سینمای ایران، اختلاف معاونت سینمایی و خانه سینما است. در آخرین اظهارنظرهای معاون امور سینمایی کشور و رئیس هیات‌مدیره خانه سینما می‌توان به راحتی فهمید که میزان و ابعاد این اختلاف تا چه میزان عمیق است. دامنه این اختلافات که هر از چندگاهی بروز پیدا می‌کند، تا جایی است که به نظر می‌رسد با توجه به اهمیت این دو نهاد در جریان کلی سینما، تا پایان این تعارضات اتفاق مهمی در سینمای کشور به بار نخواهد نشست. جواد شمقدری معاون وزیر در امور سینمایی پس از همراهی وزیر ارشاد در جلسه هیات دولت و اعلام خبر تشکیل شورای عالی سینما درباره ترکیب این شورا می‌گوید: «ریاست این شورا برعهده رئیس‌جمهور است و نماینده‌های دستگاه‌های فرهنگی و مرتبط با حوزه سینما مثل حوزه هنری و صدا و سیما و حضور چند فیلمساز خوش‌نام و باسابقه در این شورا قطعی خواهد بود.» اینکه در ترکیب شورای عالی سینما به عمد یا به سهو نامی از نمایندگان اصناف سینمایی برده نمی‌شود، گویای نگرش معاونت سینمایی است که برای حل مشکلات سینمای ایران جایگاهی برای خانه سینما قائل نیست و اگر هست آن را به شکل روشنی بیان نمی‌کند. محمدمهدی عسگرپور رئیس هیات‌مدیره خانه سینما در آخرین اظهارنظرش درباره نتیجه حل مشکلات حرفه‌ای و صنفی سینماگران که در چارچوب تشکیل صندوق بیمه بیکاری قرار دارد به سیم آخر زده و اعلام می‌کند پس از ناامیدی از وزارتخانه‌های ارشاد و کار و رفاه، سینماگران قرار است در یک گردهمایی دست به دامن خیرین و نیکوکاران شوند تا مگر با کمک آنها صندوق بیکاری تاسیس شود. در حالی که شمقدری برای حل مشکلات سینما از حضور عالی‌ترین مقام اجرایی کشور می‌گوید، عسگرپور از دراز کردن دست یاری به سوی مردم خیر حرف می‌زند و از معاونت سینمایی به عنوان مدیر مستقیم و نماینده اول دولت در سینما چیزی نمی‌گوید. زمانی که اختلافات در مسیر حل مشکلات بود، سینمای ایران به جایی نرسید، حالا باید چه بگوییم که در زمینه اظهار و بیان مشکلات، تفاوت‌ها تا این حد است. رسم است که در محافل سینمایی بحث‌ها به اختلافات سیاسی کشیده شود و ریشه این تفاوت‌ها در منش‌های سیاسی متغایر و روش‌های مدیریتی متفاوت بیان شود. حتی بیان برخی مسائل در برخی مواقع نه به منزله یک رفتار حرفه‌ای یا صنفی بلکه به عنوان یک رفتار کاملاً سیاسی و همراه اغراض جناحی پشت پرده تفسیر شود. باید قبول کنیم که سابقه نشان داده تعامل رفتار حرفه‌ای در کنار تفاوت نگرش سیاسی در سینمای ایران چیزی در اندازه افسانه است. بدون شک در جریان مدیریتی سینما (دولتی و صنفی فرقی ندارد) تعریف همه چیز در راستای منش‌های سیاسی تعریف می‌شود و این سیاست‌زدگی بی‌هیچ شکی بزرگ‌ترین آسیب سینمای ایران در طول دو دهه اخیر را رقم زده است. نه جواد شمقدری و نه محمدمهدی عسگرپور نمی‌خواهند مانند سیاستمداران با سینما عکس یادگاری بگیرند. آنها سال‌هاست که اولین کات‌هایشان را گرفته‌اند و هر دو بهتر از هر کس دیگری می‌دانند که در سینمای ایران ماجرا از چه قرار است. خیلی خوب نیست که سال‌ها بعد تاریخ سینمای ایران این روزها را با سرفصل سیاست‌زدگی بنویسند. برای پوستر سینمای ایران در مقابل اسم کارگردان باید حتماً عنوان کار گروهی را گذاشت. این فیلم با عنوان «برادران» از کوئن و تاویانی گرفته تا داردن سرانجام نمی‌گیرد.

پیشنهاد: یک مجموعه داستان، یک نمایش، یک فیلم

از خواب خوب بهشت تا دور دو فرمان

شهرام مکری

۱- مجموعه داستان «خواب خوب بهشت» سام شپارد که امیرمهدی حقیقت آن را ترجمه کرده است یکی از بهترین کتاب‌هایی است که اخیراً خوانده‌ام. سام شپارد که هم فیلمنامه‌نویس «پاریس- تگزاس» است و هم در یک فیلم بازی کرده، بیشتر به عنوان نویسنده شناخته شده است. او در قصه‌هایش به شکل پرداخت بسیار اهمیت می‌دهد و مجموعه جزییات، داستان‌های او را می‌سازند. قصه‌های سام شپارد بیشتر برشی از یک اتفاق است و پایان‌بندی مشخص و روشنی ندارد. او در قصه‌نویسی ادامه‌دهنده راه و مکتبی است که بنیانگذاران آن بزرگانی چون چخوف، همینگوی و... است. پس اگر می‌خواهید از مطالعه قصه‌هایی کوتاه و جذاب که عین زندگی هستند لذت ببرید مجموعه داستان «خواب خوب بهشت» را که امیرمهدی حقیقت با نثری روان و خوب ترجمه کرده است و در قطع جیبی به چاپ رسیده از دست ندهید.

۲- نمایش «دور دو فرمان» حمید پورآذری که این روزها در پارکینگ طبقاتی دانشگاه امیرکبیر اجرا می‌شود، درست نقطه مقابل تئاترهای گران‌قیمتی است که تنها قشر پولدار جامعه می‌توانند به دیدن آن بروند. اگر دل‌تان برای دیدن یک کار نو و جدید در تئاتر غنج می‌رود «دور دو فرمان» را از دست ندهید. این نمایش را دانشجویان دانشگاه امیرکبیر که هیچ‌کدام بازیگر تئاتر نیستند اجرا می‌کنند. اگر می‌خواهید به تماشای این نمایش بروید باید راس ساعت ۷/۳۰ سوار مینی‌بوس‌هایی که در تئاترشهر مستقر هستند، شوید. حدود ساعت یک ربع به هشت به پارکینگ طبقاتی دانشگاه امیرکبیر می‌رسید. آنجا برنامه‌ای به شما می‌دهند و شما از روی خرده‌داستان‌ها یک ماشین را انتخاب می‌کنید، در آن می‌نشینید و قصه‌ای را تماشا می‌کنید و بعد سوار ماشین‌های دیگر می‌شوید و با قصه‌های دیگر جلو می‌روید. ماشین‌ها با قصه‌های مختلف از کنارت